

Designing a pattern of visionary management to transfer the authority of civilizing figures: Case study of Shams Tabrizi

Seyyed Hossein Hassanzadeh *

Received on: 01/09/2022

Mohammad Rahim Eivazi **

Accepted on: 13/01/2023

Abstract

Purpose: Formation of the nation-state concept and establishment of new governments in recent centuries caused some of scientific-cultural capacities of Iran have been placed in neighboring countries. The existing conditions require Iran's role in using the position and benefiting from the tangible and intangible works of civilizing figures should be redefined. For this purpose, it is necessary to determine the pattern of visionary management to transfer the authority of civilizing figures. The goal of reaching this pattern is to use the civilizing capacities of these thinkers.

Methodology: The historical dimensions of Shams Tabrizi's biography and the end of his work as a thinker whose thoughts directly and indirectly through the works of Rumi had an undeniable role in the formation of Iranian-Islamic civilization from the 13th century until now were investigated. The Mintzberg model was used to design the visionary management pattern to convey the scientific-cultural authority of Shams Tabrizi. Effective drivers and inhibitors in realizing the ideal vision of the transfer of authority of Shams Tabrizi in the last 25 years were determined using panel of experts and media scanning. Based on the analysis of the real pattern, the optimal proactive pattern for future planning was designed.

Findings: The study of first-hand documents obtained from domestic and foreign sources, especially Ottoman sources, makes the location of Shams Tabrizi's

* Ph.D Candidate in Futures Studies, Supreme National Defense University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).

s.hasanzadeh00@sndu.ac.ir

 0009-0008-4485-1268

** Professor of Political Sociology, Tehran University, Tehran, Iran.

ra.eivazi@yahoo.com

 0000-0003-2635-7262



tomb in Khoy acceptable. Examining the transfer pattern of Shams Tabrizi's authority shows that its approach is from the bottom up. The role of governance in the bottom-up pattern is a passive role that is formed by the pressure of public opinion and not necessarily the need to achieve a civilizational capacity. Such a situation leads to a delay in the speed and depth of realizing the desired future and the lack of planning in the use of these capacities in cultural diplomacy, economic exploitation and promotion of national security. Since in this pattern the government has left the main activism to the local communities without participating in the creation of a common vision, the benefits of transferring and consolidating authority at the local and regional levels have remained limited. Since the debates related to scientific-cultural authority are related to macro levels of policy making, therefore the approach of the proposed pattern is from top to bottom. The role of governance in the top-down pattern is to play the role of proactive management which makes future visioning and the realization of the ideal image happen in the shortest possible time. In this pattern a common vision between the people and the government is created and the necessary credits are allocated.

Conclusion: The investigation of the drivers and the inhibitors of the transfer of authority of Shams Tabrizi shows that wherever progress has been made, it is the result of the demand and participation of the people and civil society and most of the inhibitors are due to the lack of active participation of the country's senior management. Therefore, in the pattern of transferring the authority of civilization-building figures, although the collective intentionality of the people, civil society and specialized institutions are considered a necessary and vital element, but without the support and guidance of the country's macro-management, the necessary result will not be achieved in the desired period of time. In order to solve this shortcoming, the scientific and cultural capacities of civilizing figures should be explained to senior managers and their civilizing functions should be emphasized. It seems that the active participation of governance, strategic studies in the fields of policy, credit allocation, media support and leadership in the international space, along with the participation of civil society and elites, are the requirements to reach the desired future. For this reason, the governance considerations and the strategic intention of the government in transferring the authority of civilizing figures have been prioritized in the proposed pattern.

Keyword: Civilizing, Visionary management, Scientific authority, Islamic mysticism, Shams Tabrizi.

طراحی الگوی مدیریت آینده‌پرداز برای انتقال مرجعیت

شخصیت‌های تمدن‌ساز: موردکاوی شمس تبریزی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۰

سیدحسین حسن‌زاده *

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۳

محمد رحیم عیوضی **

چکیده

با شکل‌گیری مفهوم ملت-دولت و تشکیل کشورهای جدید در قرون اخیر، وجوهی از ظرفیت‌های تمدن ایرانی-اسلامی در کشورهای همسایه قرار گرفته‌اند. از آنجاکه در جهان امروز این ظرفیت‌ها از ارزش افزوده زیادی برخوردار هستند رقابت برای مصادره‌ی شخصیت‌های تمدن‌ساز در میان کشورهای منطقه تشدید شده است. حرکت در مسیر تمدن‌سازی نوین ایجاب می‌کند ضمن رعایت روابط حُسن هم‌جواری، نقش ایران در استفاده از جایگاه و بهره‌گیری از میراث ملموس و ناملموس این شخصیت‌ها بازتعریف شود. سؤالی که در این میان پیش می‌آید این است که چگونه می‌توان مرجعیت علمی-فرهنگی شخصیت‌های تمدن‌ساز همبسته با ایران را به داخل کشور منتقل کرد؟ برای این کار لازم است الگوی مدیریت آینده‌پرداز (Visionary Management) برای انتقال مرجعیت شخصیت‌های تمدن‌ساز مشخص شود. هدف از رسیدن به این الگو استفاده از ظرفیت‌های تمدن‌سازی این اندیشمندان است. در این راستا تجربیات انتقال مرجعیت علمی-فرهنگی شمس تبریزی مطابق مدل مینتزرگ موردبازسازی قرار گرفت. پیشران‌ها و پس‌ران‌های این انتقال مرجعیت، تعیین و با استفاده از پنل خبرگان، وزن‌دهی شدند. با تحلیل یافته‌های حاصل از الگوی به کاررفته در انتقال مرجعیت شمس تبریزی، الگوی مدیریت آینده‌پرداز برای انتقال مرجعیت شخصیت‌های تمدن‌ساز به دست آمد.

کلمات کلیدی: تمدن‌سازی، مدیریت آینده‌پرداز، مرجعیت علمی، عرفان اسلامی، شمس تبریزی.

* دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

ID 0009-0008-4485-1268

s.hasanzadeh00@sndu.ac.ir

** استاد جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

ID 0000-0003-2635-7262

ra.eivazi@yahoo.com



بیان مسئله

ایران در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود به لحاظ داشتن ظرفیت‌های علمی و فرهنگی در زمره‌ی کشورهای صاحب‌نام جهان جای دارد. شخصیت‌های برجسته‌ی ایرانی در منطقه و جهان نقش انکارناپذیری در شکل‌گیری تمدن بشری داشته‌اند. با شکل‌گیری مفهوم ملت- دولت و تشکیل دولت‌های جدید در قرون اخیر، وجوهی از این ظرفیت‌های علمی- فرهنگی در کشورهای همسایه قرار گرفته‌اند. شرایط موجود ایجاب می‌کند ضمن رعایت روابط حُسن هم‌جواری و در پیش گرفتن سیاست همسایگی، نقش ایران در استفاده از جایگاه و بهره‌گیری از آثار ملموس و ناملموس این شخصیت‌ها بازتعریف شود؛ چراکه در جهان امروز این آثار از ارزش‌افزوده زیادی در سطوح ملی و بین‌المللی برخوردار هستند. بنابراین هم در داخل کشور و هم در میان کشورهای همسایه، رقابت برای مصادره‌ی این شخصیت‌ها بالا گرفته است. این در حالی است که موضع انفعالی وزارتخانه‌ها و نهادهایی همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت میراث فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت علوم به اتخاذ سیاست واحد نینجامیده است. اگر مطالعات راهبردی و سیاست‌گذاری لازم انجام شود می‌توان به انتقال و تثبیت مرجعیت این شخصیت‌های تمدن‌ساز و بهره‌برداری تمدنی، فرهنگی و اقتصادی از آن‌ها امیدوار بود. تعیین معیار (جغرافیا، زادگاه، بارگاه، زبان،...) و مشخص کردن راهبرد، مهم‌ترین مؤلفه‌های این مطالعات و سیاست‌گذاری‌ها را تشکیل می‌دهد. از جمله این شخصیت‌های مورد مناقشه می‌توان به ابونصر فارابی (ایران، قزاقستان و سوریه)، بوعلی سینا (ایران، ترکیه، ازبکستان و عربستان)، ابوریحان بیرونی (ایران، افغانستان، کشورهای عربی)، مولانا جلال‌الدین بلخی (ایران، ترکیه، افغانستان)، شمس تبریزی (ایران، ترکیه و پاکستان)، پوریای ولی (ایران و ازبکستان)، رودکی (ایران و تاجیکستان)، نظامی گنجوی (ایران و آذربایجان)، سید جمال‌الدین اسدآبادی (ایران، افغانستان و کشورهای عربی) و بسیاری دیگر اشاره کرد.

سؤالی که در این میان پیش می‌آید این است که چگونه می‌توان مرجعیت علمی- فرهنگی شخصیت‌های تمدن‌ساز همبسته با ایران را به داخل کشور منتقل کرد؟ برای این کار لازم است الگوی مدیریت آینده‌پرداز برای این انتقال مرجعیت به داخل کشور مشخص شود.

مدیریت آینده‌پرداز به‌عنوان یک رویکرد نوین مدیریتی، زمینه‌ساز طراحی و راه‌اندازی نهادها،

تشکل‌ها و سازمان‌های آینده‌پرداز با محصولاتی از قبیل صنایع تمدنی آینده‌اندیشی شده خواهد بود. بنابراین مدیریت آینده‌پرداز، به معنای تغییرآفرینی متناسب با ارزش‌های مطلوب در آینده خواهد بود (خزایی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۷).

در این راستا تجربیات انتقال مرجعیت شمس تبریزی به‌عنوان یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در تاریخ تمدن ایرانی-اسلامی مورد تحلیل و بازسازی قرار گرفت. پیشران‌ها و پسران‌های این انتقال مرجعیت، تعیین و وزن‌دهی شد و الگوی نهایی مستندسازی این تجربیات برای طراحی الگوی مدیریت آینده‌پرداز در انتقال مرجعیت شخصیت‌های تمدن‌ساز به داخل کشور مورداستفاده قرار گرفت. نتایج به‌دست‌آمده در این مطالعه می‌تواند مبنایی برای مطالعات مدیریت آینده‌پرداز در سایر ساحت‌های علمی و فرهنگی نیز قرار گیرد.

۱. پیشینه‌ی پژوهش

مطابق رویکرد تحلیل علی لایه‌ای^۱، آشکارترین وجوه تمدن، رفتارها و نمادهایی هستند که توسط نهادها و ساختارهای برآمده از جهان‌بینی‌ها و یا جهان‌نگری‌ها پشتیبانی می‌شوند. در لایه‌های زیرین تمدن، استعاره‌ها و اسطوره‌ها مقوم کنش‌ها و کنشگران حوزه‌ی تمدن با الگوهای شناختی-هنجاری متعهد به نگهداری تمدن قرار دارند که مقوم نگرش‌ها و رفتارهای تمدن‌ساز است. مؤلفه‌های سخت‌افزاری ناظر بر شکل‌گیری و تکامل هویت مادی و کالبدی تمدن، وجوه آشکار هستند درحالی‌که مؤلفه‌های نرم‌افزاری ناظر بر هویت معنوی و درونی و زیرساخت فکری تمدن است (عبدالملکی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۱۵). فلسفه‌ای تمدن‌ساز است که بتواند بُعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تمدن را تولید و هدایت کند. اگر از تمدن اسلامی نیز صحبت می‌کنیم باید فلسفه‌ای باشد که ظرفیت تولید علم موردنیاز را داشته باشد (خسروپناه، ۱۳۹۳، ص ۳۸). تمدن به‌عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی، محصول تفکرات نهفته در ورای آن است. برای ساختن تمدن، وجود اندیشه تمدن‌ساز ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. عقل‌گرایی، جهان‌گرایی، عدالت‌گرایی، علم‌گرایی، جامع‌گرایی، آسان‌گیری و اخلاق‌گرایی را از جمله عناصر تمدن‌سازی اسلام دانسته‌اند (وحیدی‌منش، ۱۳۸۶، ص ۱۵). تفکر ایده‌پردازی، نظریه‌سازی و نظام معرفتی، تولید علم، دانش و

فناوری، پرورش نیروی انسانی و کارگزاران، نهادسازی و نظام‌سازی سبک زندگی و خلق و خوی اجتماعی و فعالیت‌های هدفمند نیز از جمله الزامات ساخت تمدن معرفی شده‌اند (عبدالملکی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۲۳).

دلایل شکوفایی تمدن اسلامی را به عوامل داخلی و خارجی تقسیم کرده‌اند که سیر تصوف بر هر دو اثر گذاشته است. عوامل درونی شامل عقلانیت، جامعیت، ارشاد و تبلیغ، اهمیت دادن به توده‌ها، امر به معروف و نهی از منکر، فعالیت‌های منظم، استنباط از قرآن و حدیث و پویایی، اندیشه‌آفرینی و تربیت انسان‌های وارسته و عوامل بیرونی شامل پذیرش نقاط مشترک در تمدن‌های دیگر و هدف قرار دادن صلح به جای جنگ است (Eftekhar, 2013, p26).

مرجعیت علمی به معنای قطب علمی و محور علمی شدن و کسب جایگاه ممتاز جهانی در حوزه‌های علم و دانش است. به عبارت دیگر مرجعیت علمی به منشأ اثر بودن یا اثرگذاری علمی اشاره دارد (نوری حکمت و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۷). در یک تعریف دیگر مرجعیت علمی به نوعی پیشتازی در عرصه‌ی علم و برتری علمی اشاره دارد که باعث می‌شود جویندگان علم به جایگاهی که رتبه مرجعیت علمی را داراست، مراجعه کنند. (تابان و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۶۳).

مرجعیت علمی به معنای مراجعه جهانی به منابع علمی تولیدشده توسط دانشمندان و متخصصان و شناسایی آن‌ها به عنوان صاحب نظریه و سبک علمی است. با این تعریف، مرجعیت علمی اگر دنباله‌روی صرف از تئوری‌های غرب باشد، در نهایت آنچه را که به وجود می‌آورد شکل بومی شده همان رشد و توسعه است که وابستگی را می‌کاهد ولی سعادت‌مندی عمیق حاصل نخواهد شد. در مفاهیم آینده‌پژوهی از این موضوع به عنوان استفاده یک کشور از آینده استفاده شده^۱ سایر کشورها نام برده می‌شود. به عبارت دیگر بسیاری از کشورهای در حال توسعه، بدون درک واقعی از شرایط، نیازها و تصویر مطلوب خود، به دنبال آینده‌ای هستند که غرب بر اساس مبانی ارزشی خود دنبال کرده است و حتی ممکن است در زمان حال، بسیاری از این کشورهای غربی به این نتیجه رسیده باشند که بخش قابل توجهی از تصویر آن‌ها از آینده، چندان درست نیز نبوده است (Inayatullah, 2008, p5).

در بین مطالعات صورت گرفته، برخی محققان به یک الگو در زمینه مرجعیت علمی دست یافتند. از جمله گودرزی به الگویی مفهومی و شبکه‌ای از مفاهیم دست‌یافت (گودرزی و رودی، ۱۳۹۰). فیاض با ترسیم الگویی مفهومی در زمینه فرایند مرجعیت علمی به تشریح ماهیت، چستی و چرایی مرجعیت علمی در کشور پرداخت. قوام‌آبادی به الگویی با شرح شرایط علمی و شرایط زمینه‌ای و راهبردها اشاره کرده است. تابان، مدل اولیه‌ای برای فرایند مرجعیت علمی و مراحل پیدایش تا تکامل آن ارائه کرد. محقق به ترسیم ساختار مفهومی آسیب‌شناسی نظام علم و فناوری پرداخته و خان‌محمدی به مدل مفهومی زنجیره‌ای نظام علمی جمهوری اسلامی ایران با ارکان اساسی آن پرداخته است. حسینی مقدم نیز الگوی پیشنهادی آینده‌نگاری مرجعیت علمی در سطوح مختلف را ارائه داده است (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۹۰).

یکی از مفاهیم بنیادی مرجعیت علمی، عنصر هویت قلمداد شده و آن را راهی به سوی تمدن اسلامی دانسته‌اند (گودرزی و رودی، ۱۳۹۰، ص ۸۶). از آنجاکه بخش مهمی از هویت تمدن ایرانی - اسلامی را آموزه‌ها و ادبیات عرفانی تشکیل می‌دهد بنابراین پرداختن به کارکردهای تمدنی صاحبان این آموزه‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

به‌طورکلی سه رویکرد در خصوص نقش عرفان در تمدن‌سازی شناسایی شده است. در رویکرد اول از منظر سنتی غربی عرفان و تصوف، جوهر اسلام و جوهر تمدنی آن پنداشته می‌شود. رویکرد دوم جریان عرفانی را از عوامل اصلی و مؤثر در افول اندیشه‌ورزی و انحطاط جوامع اسلامی می‌داند. در رویکرد سوم، عرفان از عوامل شکوفایی تمدن اسلامی دانسته شده و تأثیر آن بر در ابعاد نوع نگاه متعالی به انسان و عالم، گسترش اسلام از طریق جریان‌های عرفانی و تأثیر آن بر فرهنگ، ادب و هنر اسلامی را غیرقابل‌انکار می‌داند (زارعی و قاسم‌پور، ۱۳۹۶، صص ۱۴۸-۱۴۹).

محمودی و کرمانی نقش آموزه‌های عرفانی در بعد نظری تمدن را بررسی کرده و با بررسی متون عرفان اسلامی و تحلیل محتوای گفته‌های عارفان، مبانی فکری آنان را در این بعد از تمدن استخراج نموده و مبانی نظری عرفان اسلامی را در باب فلسفه نظری تاریخ تمدن، جایگاه هستی‌شناختی وحدت و نقش تمدنی آن، نگرش سیستمی به تمدن، پیوند ظاهر و باطن در تمدن اسلامی، جایگاه انسان و مقصد و مقصود حقیقی او و اهمیت شهود در معرفت‌شناسی تبیین کردند (محمودی و کرمانی، ۱۳۹۸).

دو الگویی که پارلمان ادیان در صدسال اخیر از آن پیروی کرده عبارت است از تکیه بر تجربه عرفانی ادیان و تکیه بر اخلاق جهانی. در هر دو دوره با پرداختن به یک جنبه از دین از جنبه‌های دیگر غفلت شده است. همچنین در هر دوره به یک گروه از پیروان ادیان پرداخته شده است: در دوره اول به عرفا و در دوره دوم به اخلاق‌گرایان. در مجموع، ایران اسلامی باید از همه‌ی ظرفیت‌های دین در گسترش گفت‌وگوی بین ادیان استفاده کند. مهم‌ترین محورها برای اقدامات اجرایی این پیشران شامل ضرورت توجه به همه‌ی ظرفیت‌های دین در گسترش گفت‌وگوی بین ادیان و اشاعه‌ی گفتمان صلح جهانی از طریق معرفی اسلام به‌عنوان دین صلح است (کریمی، ۱۳۹۶، ص ۱۷۱). عرفان به‌واسطه‌ی تأمین چهارعنصر معنویت، عقلانیت معنوی، ارائه الگویی برتر از شریعت‌مداری و به دست دادن روشی ویژه در فهم متون دینی، آورده‌های پرباری در ساخت تمدن اسلامی دارد (یزدان‌پناه، ۱۳۹۴، ص ۴).

در این مطالعه به حوزه‌ی دیگری از بحث مرجعیت پرداخته خواهد شد که آن‌هم مرجعیت علمی- فرهنگی اندیشمندان تمدن‌ساز است. بنابراین فصل جدیدی از مفهوم مرجعیت با عنوان مرجعیت عناصر تمدنی گشوده خواهد شد که در پژوهش‌های پیشین به آن پرداخته نشده است.

۲. چارچوب نظری و مفهومی پژوهش

تمدن در لغت به معنای شهرنشینی آمده است و ناظر بر بیرون آمدن انسان از حالت وحشی‌گری و خارج شدن یک جامعه از مرحله‌ی ابتدایی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه تمدن). تمدن در اصطلاح عبارت است از تلاش برای آفریدن جامعه‌ای که کل بشریت بتواند با هم‌نواپی در کنار یکدیگر و به‌منزله اعضای یک خانواده کامل و جامع در درون آن زندگی کند (توین‌بی، ۱۳۷۶، ص ۴۸). دکتر شریعتی مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه انسانی را تمدن می‌داند (شریعتی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵). تمدن اسلامی نیز تمدنی دینی است که همه‌ی مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد (جان‌احمدی، ۱۳۸۶، ص ۵۱). مسلمانان معتقدند که دین اسلام کامل‌ترین دین آسمانی است که نازل شده تا او را به کمال برساند. کمال دین هم محدود نیست، بلکه ابعاد مختلفی از جامعه بشری را در بر می‌گیرد، از جمله ابعاد کمالی دین را می‌توان در تمدن‌سازی جست‌وجو نمود (صدری‌فر و مولوی، ۱۴۰۰، ص ۵۰). سید حسین

نصر تمدن‌ها را مبتنی بر جوهره فرهنگی آن‌ها، به تمدن سنتی و تمدن مدرن تقسیم‌بندی می‌کند؛ از این منظر، هر امری در تمدن‌های سنتی مبتنی بر نوعی ارتباط با ماوراءالطبیعه و معنویت قدسی است، درحالی‌که در تمدن مدرن، انسان خاکی فارغ از هر چیز، منشأ و معیار تمام امور به شمار می‌آید (عالمی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۷).

ابن خلدون هفت عامل را در تشکیل تمدن مؤثر می‌داند: دولت و رهبر، قانون، اخلاق، کار، صنعت، جمعیت و ثروت (رادمنش، ۱۳۶۰، ص ۱۷). ویل دورانت چهار رکن اساسی عوامل اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و عقلی و روحی را از عناصر مؤثر در تشکیل تمدن می‌داند (دورانت، ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۳-۱۰۸). مالک بن نبی - اندیشمند معاصر الجزایری - از معدود اندیشمندان مسلمانی است که نقطه‌ی ثقل مطالعات و آثار خود را بر موضوع تمدن قرار داده و از نقش دین در تمدن و رابطه‌ی این دو با یکدیگر سخن گفته است. به عقیده‌ی بن نبی، عناصر تشکیل‌دهنده‌ی یک تمدن عبارت است از: انسان، خاک و زمان. اما نکته اساسی این است که صرف وجود عناصر این سه‌گانه الزاماً به ایجاد تمدن نمی‌انجامد بلکه برای به‌وجود آمدن تمدن، نیاز به ترکیب‌کننده یا خمیرمایه تمدنی است که این خمیرمایه در ترکیب عناصر سه‌گانه یادشده با یکدیگر اثرگذار است. تحلیل تاریخی نشان می‌دهد خمیرمایه‌ای که همواره با ساخت‌وساز تمدن همراه بوده، اندیشه دینی است. اندیشه دینی روح را در این عناصر برمی‌انگیزاند و از ترکیب آن‌ها با یکدیگر محصولی به نام تمدن پدید می‌آورد. اگرچه پیدایش تمدن منوط به اراده انسان تمدنی است این اراده جز با ایمان آدمی به عقیده‌ای که خواهان تلاش در تمدن است به دست نمی‌آید؛ این انگیزه و تلاش چیزی است که اندیشه دینی در بالاترین سطح، به انسان می‌بخشد و تمدن، حاصل مواجهه انسان با خاک در مدت‌زمانی مشخص و در سایه‌ی اندیشه دینی است (الویری و مهدی‌نژاد، ۱۳۹۲، ص ۱۶۳).

تمدن اسلامی مبتنی بر باورها و ارزش‌های اسلامی است و برخی از ارزش‌ها و باورهای اسلامی مربوط به ساحت عرفانی اسلام است. عرفان به سبب برخوردارگی از مبانی نظری مستحکم می‌تواند شالوده جهان‌بینی تمدنی را پایه‌ریزی کند که از اساس با تمدن‌های مادی متفاوت است. آموزه‌های نظری تمدن‌ساز عرفان اسلامی عبارت‌اند از: وحدت وجود، چشمت نظام اسمایی، باور به دو ساحت باطن و ظاهر برای هستی؛ ولایت و خلافت الهی برای انسان کامل و

عبودیت انسان در بعد انسان‌شناختی. در بُعد معرفت‌شناسی نیز به شهود عرفانی توجه می‌شود (محمودی و کرمانی، ۱۳۹۸، ص ۴۵).

سیستمی بودن، خصیصه ذاتی تمدن است؛ زیرا میان عناصر یک تمدن، همواره پیوندی درهم‌تنیده وجود دارد. به تعبیر روشن‌تر، خرده‌نظام‌های تمدنی، هویتی ارتباطی دارند که در ارتباط با دیگر نظام‌های اجتماعی، هویت می‌یابند (ره‌دار و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۷۹). چرایی سیستمی بودن تمدن یکی از پرسش‌های عمیق هستی‌شناختی است که پاسخ آن در عرفان و نگرش آن به هستی نهفته است. عرفان اسلامی با برخورداری از مبانی هستی‌شناختی وحدت وجود، سیستمی بودن تمدن را به روشنی تبیین می‌کند (محمودی و کرمانی، ۱۳۹۸، صص ۵۴-۵۵). در همین راستا مرجعیت شخصیت‌های عرفانی تمدن‌ساز را می‌توان نقاط اهرمی^۱ این سیستم تلقی کرد چراکه با تثبیت مرجعیت هر کدام از آن‌ها دستاوردهای فراوانی عاید سیستم می‌شود.

بهترین روش پیش‌بینی آینده، ساختن آن است (Drucker, 2004). بنابراین برای ساخت آینده، رویکردهای کنشگرانه مورد استفاده قرار می‌گیرند. یکی از روش‌های طراحی مدیریت کنشگرانه، الگوسازی از تجربیات گذشته است. در منظر الگو به‌مناب استراتژی برای رسیدن به هدف، از یک الگوی پاسخ گرفته‌شده و تکرارپذیر بهره می‌بریم. با این توضیحات، الگو عبارت است از مجموعه اقدامات، برنامه‌ها و تدابیر گذشته که قبلاً به‌کار گرفته‌شده و می‌توان نتایج مثبت آن را به آینده نیز تعمیم داد. سازمان‌ها، هم برنامه‌هایی برای آینده خود در نظر می‌گیرند و هم الگوهایی را از گذشته خود بیرون می‌کشند. اولی استراتژی‌های موردنظر^۲ و دومی استراتژی‌های تحقق‌یافته^۳ نامیده می‌شود. عملاً ثابت‌شده است که استراتژی‌های موردنظر ممکن است همیشه تحقق پیدا نکنند. نیاتی را که کاملاً تحقق می‌یابند می‌توان استراتژی‌های سنجیده و عمدی^۴ نامید (آلستراند، لمپل و میتزبرگ، ۱۳۸۴، صص ۱۴-۱۵).

امروزه الگوواره نوینی در برابر مدیریت راهبردی پدیدار شده است که در پرتو آن می‌توان بدیل موفقی را با عنوان مدیریت آینده‌پرداز معرفی کرد. با پیدایش مدیریت آینده‌پرداز، مدیریت

- 1 . Leverage Points
- 2 . Intended Strategy
- 3 . Realized Strategy
- 4 . Deliberate Strategy

راهبردی را می‌توان دانشی از جنس گذشته و منسوخ دانست. همچنین باید گفت آنچه که در درجه اول، مدیریت دنیای امروز به‌ویژه مدیریت در حوزه‌های حساس تمدنی و امنیتی به آن نیاز دارد مدیریت راهبردی نیست بلکه مدیریت آینده‌پرداز است. افق زمانی مدیریت آینده‌پرداز بسیار بلندمدت‌تر از مدیریت راهبردی بوده و هدف آن به‌جای تغییرپذیری (سازگاری با تغییر) از جنس تغییرسازی (تغییرآفرینی بر پایه ارزش‌ها) است (خزایی، ۱۳۹۷، صص ۱۰۰-۱۰۳).

چشم‌انداز به‌عنوان عنصر جدیدی از تفکر استراتژیک پیشرفته، نقش مهمی ایفا می‌کند و مدیریت آینده‌پرداز، لایه سوم تفکر استراتژیک را تشکیل می‌دهد. رامپرساد اشاره می‌کند که مدیریت آینده‌پرداز از چشم‌انداز برای مدیریت سازمان استفاده می‌کند. او بین مأموریت و چشم‌انداز تمایزی قائل نمی‌شود و این باور را تقویت می‌کند که مفاهیم چشم‌انداز، فرآیند چشم‌انداز و مدیریت آینده‌پرداز باید بیشتر روشن شوند تا مدیریت آینده‌پرداز بتواند به‌عنوان سطح سوم در تفکر استراتژیک پیشرفته گنجانده شود (Holstius and Malaska, 2004, p39).

تمدن آینده‌پرداز، ترجمانی از مدیریت آینده‌پرداز است. به‌عبارت‌دیگر در تمدن آینده‌پرداز باید با بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی، آینده‌ای برای بخش تمدن ترسیم شود که با ارزش‌های اسلامی و ایرانی سازگار باشد. به‌عنوان نمونه در تمدن آینده‌پرداز برای صنایع تمدنی و دیگر سازمان‌های فرهنگی تمدنی نیز باید آینده‌اندیشی شود (شجاعی و محمودی، ۱۳۹۳، ص ۲۳). از دیدگاه برخی صاحب‌نظران مانند جیم کالینز^۱ و جری پوراس^۲ دو مؤلفه مأموریت و ارزش‌های بنیادین که مؤلفه‌های ثابت چشم‌انداز یک سازمان، جامعه یا کشور در بستر زمان به‌شمار می‌روند برآمده از جهان‌بینی (ایدئولوژی) آن سازمان، جامعه یا کشور هستند. ایجاد تغییرات در محیط تمدنی دنیا که با ارزش‌های ما سازگار باشند به بیش از ۱۰ سال زمان نیاز دارد. بنابراین تمدن آینده‌پرداز که شایسته مدیریت تمدنی آینده‌پرداز است برای ایجاد تغییر در افق، باید از امروز شروع به پرورش کنند (خزایی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۴). از اسناد معتبر که از سوی اندیشکده‌ها منتشر می‌شود چنین برمی‌آید که هنجار برنامه‌ریزی بلندمدت یا آینده‌پرداز در بسیاری از کشورهای پیشرفته، ۱۰۰ سال است. حتی در جهان امروز، برخی از برنامه‌ریزی‌ها به‌صورت برنامه‌ریزی هزاره انجام می‌پذیرد.

1 . Jim Collins

2 . Jerry I. Porras

مدیریت آینده‌پرداز در یک ساختار تمدنی به معنای تغییرآفرینی متناسب با ارزش‌های مطلوب در آینده خواهد بود که ساختار و محتوای آینده‌ی مطلوب را بر پایه‌ی دو مفهوم تمدن آینده‌پرداز و نوآوری آینده‌پرداز طراحی و ترسیم می‌کند (خزایی، ۱۳۹۷، صص ۱۱۲-۱۱۱).

۳. روش پژوهش

با استفاده از روش کتابخانه‌ای، اسناد مرتبط با تمدن، مرجعیت علمی و جایگاه عرفان اسلامی در تمدن‌سازی جمع‌آوری شد. ابعاد تاریخی سرگذشت و فرجام کار شمس تبریزی به‌عنوان اندیشمندی که اندیشه‌هایش به‌صورت مستقیم و از طریق آثار مولانا به شکل غیرمستقیم نقش انکارناپذیری در شکل‌گیری تمدن ایرانی- اسلامی از قرن هفتم تاکنون داشته است موردبررسی قرار گرفت. برای طراحی الگوی مدیریت آینده‌پرداز برای انتقال مرجعیت علمی- فرهنگی شخصیت‌های تمدن‌ساز از مدل میتربرگ استفاده شد. با استفاده از پنل خبرگان و پویش رسانه‌ای، پیشران‌ها و پسران‌های مؤثر در تحقق چشم‌انداز آرمانی انتقال مرجعیت شمس تبریزی در ۲۵ سال گذشته احصا و وزن هرکدام مشخص شد. با جمع‌بندی این عوامل، الگوی تجربیات گذشته برای استفاده در آینده، مدل‌سازی شد. از روی تحلیل مدل واقعی، الگوی کنشگرانه مطلوب برای آینده‌پردازی طراحی شد.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. شمس تبریزی و فرجام کار او
مولانا جلال‌الدین بلخی (معروف به رومی) از قرن هفتم تاکنون، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری تمدن اسلامی از شبه‌قاره هند تا بالکان ایفا کرده است. در ۲۰۰ سال اخیر با ترجمه آثار مولانا به زبان‌های خارجی، دایره‌ی تأثیرگذاری این آثار به اروپا، آمریکا و خاور دور نیز گسترش یافته است. از سوی دیگر اندیشه‌های شمس تبریزی و مولانا نقش پل ارتباطی بین تمدن شرق و غرب ایفا کرده‌اند به‌طوری‌که آناندا کوماراسوامی - فیلسوف معروف جریان حکمت خالده - جلال‌الدین مولوی و مایستر اکهارت - عارف آلمانی - را دو رکن اصلی پل تفاهم خوانده است که سرانجام تمدن غرب و شرق را به هم خواهند رساند (صفوی، ۱۴۰۰).

مهم‌ترین دیدگاه‌های شمس تبریزی شامل خودشناسی، جمع ظاهر و باطن، استقلال رأی و نفی تقلید، استعداد و اهلیت لازمه موضوعات اساسی از جمله خدا، وحدت ادیان و رسالت انبیا، شریعت و متابعت، هدایت و تربیت، خوش‌خویی و فراخ‌رویی، حقیقت را از پنجره‌های متعدد نگریستن و آینه مرگ هستند (مشتاق‌مهر، ۱۳۹۵، ص ۳۱) که در کاربست تمدن‌سازی کارکرد دارند.

زندگی مولانا پیش از دیدار با شمس تبریزی، زندگی فقیه صاحب‌منبری بود که با تربیت مریدانش سپری می‌شد به طوری که هیچ شعری از او در این برهه از زندگی‌اش ثبت نشده است. بعد از دیدار با شمس تبریزی، مولانا با ارائه‌ی اندیشه‌های عرفانی خود در قالب ده‌ها هزار بیت، نقش بی‌بدیلی در تمدن بشری ایفا کرد. مطالعات پژوهشگران متعدد نشان داده است که بن‌مایه‌های فکری مولانا ریشه در آموزه‌های شمس تبریزی داشته‌اند (فروزانفر، ۱۳۶۷، ص ۶ و فروزانفر، ۱۳۸۵، صص ۱۳۹-۱۴۰).

حضور شمس تبریزی در قونیه، انقلابی در اندیشه و روحیه‌ی مولانا ایجاد و او را از سجاده‌نشین باوقار به بازیچه‌کودکان کوی و بازار تبدیل کرد؛ در نتیجه، ارادتمندان و مریدان مولانا نمی‌توانستند این حضور را آسان پندارند. آنان رقابت کسب محبوبیت نزد شیخ را به این رقیب تازه از راه رسیده تبریزی باخته بودند و از زمانی که اوقات مولانا در خلوت و جلوت یکسره به شمس اختصاص یافته بود، از فواید معنوی او بی‌بهره مانده بودند. غیبت ناگهانی شمس از قونیه در سال ۶۴۵ق بازار افسانه‌سازی و شایعه‌پردازی را درباره‌ی سرنوشت او گرم کرد. برخی بر آن‌اند که شمس در توطئه‌ای کشته‌شده که علاءالدین (فرزند کهنر مولانا) نیز در آن دخالت داشته است. برخی دیگر معتقدند او به مهاجرتی خودخواسته از قونیه به تبریز ناگزیر شده است؛ از این رو به باور برخی، آرامگاه شمس در قونیه و به باور برخی دیگر، در خوی است (غلامی، ۱۴۰۰، ص ۱۳۷).

۴-۲. آرامگاه شمس تبریزی و مدعیان داخلی و خارجی

بحث بر سر فرجام کار شمس تبریزی موضوعی است که از همان زمان غیبت دوم او در قونیه، نقل محافل بوده و تا به روزگار ما نیز تداوم داشته است. امروزه در مکان‌های مختلفی از جمله در

ترکیه (قونیه، نیغده و قریه حاجی بکتاش)، ایران (خوی و تبریز)، افغانستان و پاکستان با زیارتگاه‌ها و مقابری مواجه می‌شویم که نام شمس تبریزی بر خود دارند. بی‌شک به‌جز یکی از این‌ها، بقیه آن‌ها یادمانی از خاطره و مقام معنوی شمس هستند و یا به شمس دیگری به‌جز مراد مولانای روم تعلق دارند؛ چنانکه امروزه تعلق مزارهای موجود در تبریز و پاکستان به فردی غیر از شمس تبریزی موردنظر آشکار شده است (Mukaddem, 2021, p 294).

قدیمی‌ترین اشاره‌ای که به وجود زیارتگاه شمس تبریزی در خوی شده است مطلبی است که یکی از تذکره‌نویسان عثمانی به نام ساری عبدالله افندی در شرح حال شیخ ابو حامد حمیدالدین آقسرای حدود یک‌صدسال بعد از غیبت شمس تبریزی در کتاب *ثمرات الفوائد فی مبدا والمعاد* ذکر کرده است. اشارات سایر منابع عثمانی در دوره صفوی نیز تاییدکننده سخنان عبدالله افندی هستند. از جمله کاتب چلبی در کتاب *جهان‌نما*، اولیا چلبی در *سیاحت‌نامه*، فریدون‌بیگ در *منشآت السلاطین*، ابراهیم پچوی در کتاب *تاریخ پچوی* و ابوبکر بن عبدالله در *تاریخ عثمان پاشا* به این موضوع اشاره کرده‌اند. منبع قدیمی دیگری که در آن به صراحت از وجود مدفن شمس در خوی ذکری به میان رفته *مجمعل فصیحی* (تألیف شده در ۸۴۵) است. فصیحی خوافی حدود ۲۰۰ سال بعد از غیبت شمس از قونیه در ذکر حوادث سال‌های ۶۷۲ و ۶۹۸ ق به مدفون بودن شمس‌الدین تبریزی در خوی اشاره می‌کند. از جمله سایر اسنادی که اشاراتی به پیشینه آرامگاه شمس تبریزی در خوی داشته‌اند می‌توان به سفرنامه‌های عصر صفوی مانند سفرنامه ونیزیان، سفرنامه پرتغالی‌ها و سفرنامه‌های عصر قاجار از جمله سفرنامه‌های جیمز موریه، محمدعلی بن حسین حسینی فراهانی، علی‌خان اعتمادالسلطنه و اوژن اوبن اشاره کرد (حسن‌زاده و بایرام‌زاده، ۱۴۰۲).

۳-۴. بهره‌برداری ترکیه از مولانا و شمس

در ترکیه برخلاف ایران، مولانا نه به‌عنوان یک شاعر بلندآوازه بلکه به‌عنوان اولیاءالله شناخته می‌شود. در همین راستا موزه‌ها، کتابخانه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی این شهر یک میلیون و چهارصد هزار نفری پیرامون آرامگاه او به‌عنوان یک مکان مذهبی، سامان یافته‌اند. مسجدی در حوالی آرامگاه مولانا موسوم به مقام شمس نیز وجود دارد که گردشگران به‌اشتباه آن را آرامگاه شمس تبریزی می‌پندارند. ترکیه برای سال ۲۰۲۳ جذب ۱۰ میلیون گردشگر داخلی و خارجی در

قونیه را هدف‌گذاری کرده است. جذب این تعداد گردشگر حجم قابل‌توجه کارکرد اقتصادی این ظرفیت فرهنگی را مشخص می‌کند.

مطالعه آثار گردشگری بر هویت قونیه نشان می‌دهد که گردشگری مولوی‌محور نقش مهمی در ارتباط قونیه با بازارهای جهانی و فرآیند هویت‌سازی شهری ایفا کرده است. گردشگری مولانا به‌جای اینکه به‌عنوان یک بخش اقتصادی مکمل در روند توسعه قونیه قرار گیرد، یک نشان تجاری شهری و ارتباطات تجاری بین‌المللی ایجاد می‌کند. در طیف گردشگری جهانی، گردشگری مولانا را می‌توان به‌عنوان گردشگری فرهنگی، مذهبی و معنوی تعریف کرد. اگرچه گردشگری مولانا در مقایسه با بخش‌های دیگر دایره محدودی دارد اما حضور قونیه در بازارهای جهانی با هویت شهری و ارتباطات تجاری از طریق مولانا و مکتب مولوی بسیار مهم است (Sari, 2010, pIV).

سالانه بیش از دو میلیون گردشگر ایرانی به شهرهای مختلف ترکیه سفر می‌کنند و در این مقاصد مختلف، تجربیات مختلفی کسب می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که گردشگران ایرانی عموماً برای به‌دست آوردن آزادی‌های فرهنگی و اجتماعی به ترکیه سفر می‌کنند و مصرف بخش‌هایی از فرهنگ ایرانی که در خود ایران مورد غفلت قرار گرفته است (مانند موسیقی پاپ یا تصوف ایرانی) یکی از تجربیات ویژه آن‌ها در سفر به ترکیه است. در این میان، ملی‌گرایی به شکل‌های گوناگون در گفتار و رفتار گردشگران ایرانی دیده می‌شود. دوری از کنترل حکومت و تجربه فرهنگ ممنوعه یا مغفول‌مانده ایرانی، فضایی برزخی ایجاد می‌کند که اگرچه ناقض قواعد ساختار فرهنگ رسمی در ایران است اما ساختار خاص خود را دارد. بنابراین سفر ایرانیان به ترکیه را می‌توان در قالب گردشگری در تبعید داوطلبانه و کوتاه‌مدت^۱ توصیف کرد (Hashmi Moghaddam, 2021, pV). نکته جالب‌توجه این است که بیش از نیمی از گردشگران ۲ میلیون نفری ایرانی از مرز رازی خوی وارد کشور ترکیه می‌شوند بدون اینکه از آرامگاه شمس تبریزی در این شهر بازدید داشته باشند.

۴-۴. تصاویر آرمانی و تصاویر واقعی

بعد از انتشار مقاله‌ی دکتر محمدمین ریاحی با عنوان «تربت شمس کجاست؟» در سال ۱۳۷۵ یک چشم‌انداز آرمانی در اذهان عمومی شکل گرفت. ویژگی‌های این تصویر از این‌قرار بود: با

1 . Tourism in voluntary and short-term exile

اسناد به دست آمده، مدعیان داخلی و خارجی کنار رفته و محل آرامگاه شمس تبریزی در خوی تثبیت می‌شود. المان و مجموعه فرهنگی شایسته‌ای در محل آرامگاه احداث می‌شود. مشابه قونیه، گردشگران فراوان داخلی و خارجی برای زیارت آرامگاه و شرکت در همایش‌های علمی و جشنواره‌های هنری در مجموعه فرهنگی شمس تبریزی حاضر می‌شوند که به رونق اقتصادی و تجاری منطقه و کشور کمک بزرگی می‌کند. پژوهشگران سراسر دنیا برای آشنایی با آثار و اندیشه‌های شمس تبریزی به خوی مراجعه می‌کنند (ریاحی، ۱۳۷۸، صص ۵۳۵ - ۱۱). در این چشم‌انداز، مؤلفه‌های مرجعیت کاملاً مشهود است. به این معنا که با رد ادعاهای سایر کشورها و شهرها آرامگاه شمس تبریزی در خوی تثبیت شده و به‌عنوان مرجع رجوع علاقه‌مندان عرفان اسلامی از اقصی نقاط دنیا مورد توجه قرار می‌گیرد. این مرجعیت با برگزاری همایش‌های علمی و جشنواره‌های هنری به تولید محتواهای فاخر انجامیده و وجوه فرهنگی را هم پوشش می‌دهد. در نهایت، این رونق مرجعیت علمی و فرهنگی، کارکردهای گردشگری و اقتصادی نیز پیدا می‌کند. با این تصویر آرمانی به‌سرعت قصدیت جمعی^۱ مردم برای رسیدن به این هدف رؤیایی شکل گرفت.

همراهی سازمان‌های مردم‌نهاد و مدیران محلی موجب شد نهادسازی تخصصی صورت بگیرد و مؤسسه تولید شمس تبریزی متولی پیگیری مراسم و برنامه‌های مرتبط باشد. این برنامه‌ها در قالب همایش علمی بین‌المللی با محوریت شمس و مولانا و جشنواره‌های هنری با محوریت موسیقی عرفانی، طراحی شد و با تعریف پیوست رسانه‌ای تلاش شد رسانه‌های داخلی و خارجی اخبار مرتبط را پوشش دهند. ورود یونسکو و بزرگداشت هشتصدمین سالگرد تولد مولانا نقطه عطفی در تثبیت نسبی مراسم شد تا هنرمندان با حضور پُررنگ خود نگاه‌ها را به سمت آرامگاه شمس معطوف کنند. ثبت روز شمس تبریزی در تقویم ملی اقدام مؤثر دیگری بود که از سوی جامعه مدنی پیگیری شد و با همراهی مدیران محلی به‌عنوان یک پیشران محوری عمل کرد. افزوده شدن دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی متعدد داخلی و خارجی به تولیدات علمی رونق بخشید (حسن‌زاده، ۱۳۹۹، ص ۱۰۸). تلاش پژوهشگران موجب شد تا خوی به‌عنوان مرجع نسخ خطی تنها اثر مکتوب باقی‌مانده از گفتارهای شمس تبریزی مطرح شود (کریمی، ۱۴۰۱). تدوین و انتشار

شرح و تفسیرهای این اثر از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد به این مرجعیت استحکام بخشید (حسن‌زاده، ۱۴۰۱). یافته‌های جدید حاصل از مطالعات باستان‌شناسی، معماری و تاریخی، مرجعیت آرامگاه شمس تبریزی در خوی را تثبیت کرد (بایرام‌زاده و حسن‌زاده، ۱۳۹۹).

۴-۵. پیشران‌ها و پسران‌ها

با استفاده از پنل خبرگان و پویش رسانه‌ای، پیشران‌ها و پسران‌های انتقال مرجعیت شمس تبریزی به داخل کشور تعیین شدند. در این بررسی‌ها تعداد ۳۰ پیشران شناسایی شد که وزن هرکدام از آن‌ها از طریق نظرخواهی از خبرگان مشخص شد (جدول شماره ۱). میانگین امتیازهای کسب‌شده در جدول شماره ۱ لحاظ و رتبه‌بندی شد.

جدول شماره ۱: پیشران‌های شناسایی‌شده در انتقال مرجعیت شمس تبریزی

ردیف	پیشران	نمود و پیامد پیشران	امتیاز
۱	قصدیت جمعی مردم	مطالبات عمومی مستمر	۱۰
۲	نهادسازی تخصصی (تولیت شمس تبریزی)	پیگیری تخصصی و استمرار برنامه‌ها	۹
۳	قصدیت جمعی مدیران محلی	تخصیص اعتبارات محلی به اصلاح زیرساخت‌ها و برگزاری مراسم	۸
۴	ثبت روز شمس در تقویم ملی	پویا نگه‌داشتن موضوع در سطح ملی	۷
۵	میراث ملموس	بقایای مقبره شمس تبریزی (مناره)	۷
۶	ورود شخصیت‌های برجسته علمی داخلی	اعتبار و اطمینان‌بخشی به مخاطبان	۶
۷	پیدا شدن مستندات تاریخی متعدد آرامگاه و نسخ خطی مقالات شمس	اعتبار علمی و مرجعیت منابع	۶
۸	قصدیت جمعی جامعه مدنی	مطالبات عمومی مستمر در رسانه و تولید محتواهای علمی و رسانه‌ای	۶
۹	بزرگداشت هشتادمین سالگرد میلاد مولانا از سوی یونسکو	جلب توجه جهانیان به موضوع شمس و مولانا و برگزاری مراسم مختلف در ایران و ترکیه	۶
۱۰	ورود مجامع فرهنگی بین‌المللی (یونسکو و اکو)	اعتبار بین‌المللی	۵
۱۱	نظر موافق شخصیت‌های برجسته مذهبی با شمس و مولانا	جلب نظر متدینین در مقابل نظرات مخالفین	۵
۱۲	استمرار نسبی برگزاری همایش علمی بین‌المللی	پویایی موضوع و تولید محتوای علمی	۵
۱۳	استمرار نسبی برگزاری جشنواره هنری ملی	پویایی موضوع و تولید محتوای هنری	۵

ادامه جدول شماره ۱: پیشران‌های شناسایی شده در انتقال مرجعیت شمس تبریزی

ردیف	پیشران	نمود و پیامد پیشران	امتیاز
۱۴	زبان و ادب فارسی	زبان اصلی آثار شمس و مولانا و قابل فهم برای ایرانیان	۴
۱۵	حضور شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی داخلی	اراده سیاسی	۴
۱۶	ورود مجامع علمی و دانشگاهی داخلی	ارتقای توان علمی	۴
۱۷	حضور هنرمندان تراز اول داخلی و خارجی	مشروعیت‌بخشی و عرضه محتوای هنری فاخر	۴
۱۸	پیوست رسانه‌ای	پوشش اخبار در انواع رسانه‌های دیداری، شنیداری، کتبی و مجازی داخل و خارج از کشور	۴
۱۹	مفاهیم و ادبیات عرفانی	تبدیل شدن به محل رجوع علاقه‌مندان	۳
	آثار مکتوب	نسخ خطی مقالات شمس و آثار مولانا	۳
۲۰	ورود شخصیت‌های برجسته علمی خارجی	اعتبار بین‌المللی	۳
۲۱	حضور شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی خارجی	اعتبار سیاسی	۳
۲۲	ایجاد پیوندهای اجتماعی - فرهنگی داخلی	گسترش نفوذ به شرق (نیشابور، بشرویه)، جنوب (شیراز) و شمال غرب (تبریز)	۳
۲۳	درج مطالب مرتبط در کتاب‌های درسی	فرهنگ‌سازی	۳
۲۴	حمایت مالی بخش خصوصی و خیرین از نقاط مختلف کشور	پشتیبانی از برگزاری مراسم سالیانه	۳
۲۵	مشارکت و همراهی وزارت امور خارجه	برقراری ارتباطات فرهنگی با شهرداری‌ها، دانشگاه‌ها و مؤسسات فرهنگی ترکیه	۳
۲۶	حضور مقامات ارشد کشوری در محل آرامگاه شمس تبریزی (اکثر مقامات به جز رؤسای قوا)	اعتبار سیاسی	۳
۲۷	میراث ناملموس	طریقت عرفانی	۲
۲۸	مشارکت دانشگاه‌های خارجی	بیان موضوع در سطوح علمی به زبان‌های خارجی	۲
۲۹	ایجاد پیوندهای اجتماعی - فرهنگی خارجی	گسترش نفوذ به خارج از کشور (خواهرخواندگی با شهرهای قونیه و وان ترکیه)	۲
۳۰	ثبت دیدار شمس و مولانا	میراث مشترک ایران و ترکیه در یونسکو	۲

برخی از عوامل بازدارنده در تحقق اهداف و شکل‌گیری تصویر آرمانی در ۲۵ سال گذشته نقش داشتند که در ۱۵ عنوان فهرست‌بندی شده‌اند. وزن هر یک از پس‌ران‌ها در قالب پرسش‌نامه توسط خبرگان مشخص شد و میانگین نظرات در جدول شماره ۲ اعمال شد.

جدول شماره ۲. پسران‌های شناسایی‌شده در انتقال مرجعیت شمس تبریزی

ردیف	پسران‌ها	نمود و پیامد پسران‌ها	امتیاز
۱	تقلیل یک ظرفیت ملی و بین‌المللی به سطح یک جاذبه گردشگری محلی	محروم ماندن از مزایای ظرفیت‌های تمدنی در دیپلماسی فرهنگی	۹
۲	عدم تخصیص کافی و به‌موقع ردیف بودجه ملی	طولانی شدن احداث المان و مجموعه فرهنگی	۹
۳	ورود دیرهنگام و منفعلانه وزارت میراث فرهنگی	عدم پیشرفت مناسب احداث مجموعه فرهنگی	۹
۴	نپیوستن مدیران استانی و کشوری به قصدیت جمعی مردمی	عدم تحقق اهداف کلان در میان‌مدت	۸
۵	نهادینه شدن سیاست مرکزگرای افراطی	کم‌توجهی به ظرفیت‌های شهرستانی	۷
۶	کمبود زیرساخت‌های رفاهی- اقامتی در شهرستان	اسکان و پذیرایی از گردشگران و مهمانان	۷
۷	عدم مشارکت فعال وزارت ارشاد و انجمن مفاخر	عدم برخورداری از ظرفیت‌های ملی	۷
۸	کمبود زیرساخت‌های فرهنگی در شهرستان	نقص در برگزاری مراسم	۶
۹	ترجیح منافع شخصی و سیاسی به منافع ملی از سوی برخی مدیران	واگرایی تلاش‌ها و هدر رفت انرژی	۶
۱۰	عدم استمرار کامل برگزاری مراسم و برنامه‌ها در ۲۵ سال گذشته	ریزش سرمایه فرهنگی	۶
۱۱	رقابت‌های غیرسازنده داخلی	انحراف موضوع از مسیر اصلی و اتلاف انرژی	۵
۱۲	رقابت‌های غیرسازنده خارجی	انحراف موضوع از مسیر اصلی و اتلاف انرژی	۵
۱۳	نیت راهبردی و اگرایی برخی تصمیم‌سازان داخلی	کند شدن شیب تحقق اهداف	۵
۱۴	مخالفت برخی متدینین	تردید برخی علاقه‌مندان	۴
۱۵	عدم همراهی فعال کشور همسایه	عدم تمایل در نهایی‌سازی تفاهم خواهرخواندگی	۳

۴-۶. تحقق اهداف در بازه زمانی ۲۵ ساله

چشم‌انداز آرمانی که از سال ۱۳۷۵ در اذهان عمومی شکل گرفت اهدافی را به ذهن متبادر می‌کرد. با این تصویر آرمانی و با پیشینه‌ای که جایگاه معنوی شمس تبریزی در گفتمان عمومی مردم داشت (حسن‌زاده و بایرام‌زاده، ۱۴۰۲) به سرعت قصدیت جمعی مردم برای رسیدن به این هدف رؤیایی شکل گرفت. در مورد اهداف میان‌مدت شامل تثبیت محل آرامگاه در خوی، اقدام به احداث المان آرامگاه، هدایت بخشی از زائران قونیه به خوی، افزایش رو به رشد بازدیدکنندگان داخلی و ایجاد مرجعیت علمی- فرهنگی، تحقق نسبی حاصل شده است. اما این تصویر با وجود گذشت بیش از ۲۵ سال در رسیدن به اهداف بلندمدت با مشخصه تبدیل خوی به قونیه از نظر فرهنگی، گردشگری و اقتصادی چندان محقق نشده است (حسن‌زاده، ۱۳۹۹، ص ۱۰۸). در جدول شماره ۳ پیشران‌ها و پسران‌های مؤثر در تحقق اهداف، جمع‌بندی شده است. بررسی وضعیت جذب گردشگر ترکیه نشان می‌دهد احداث به‌موقع المان به‌عنوان یک پیشران مؤثر می‌توانست در کنار برگزاری مستمر برنامه‌های فرهنگی- هنری فاخر به جلب گردشگران داخلی و خارجی و تحقق اهداف اقتصادی کمک کند که طولانی شدن غیرعادی این روند به عدم تحقق این اهداف انجامیده است. این تأخیر از عدم تخصیص به‌موقع و کافی اعتبارات ناشی می‌شود که خود معلول عدم درک نقش شخصیت‌های فرهنگی بین‌المللی و تقلیل جایگاه تمدنی آن‌ها به یک جاذبه تاریخی شهرستانی از سوی مدیران عالی است.

جدول شماره ۳. نقش پیشران‌ها و پسران‌های اصلی در میزان تحقق اهداف

ردیف	تصویر	سطح تحقق	پیشران اصلی تحقق	پسران اصلی عدم تحقق
۱	مرجعیت میراث ملموس (آرامگاه)	زیاد	جمع‌آوری اسناد و انتشار مقالات علمی، نهادسازی تخصصی	عدم انتشار محتوا به زبان‌های بین‌المللی
۲	مرجعیت علمی	متوسط (به بالا)	استمرار نسبی برگزاری همایش علمی، نهادسازی تخصصی و همراهی دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی داخلی و خارجی	محدودیت منابع مالی و زیرساخت‌های اقامتی در شهرستان
۳	مرجعیت فرهنگی-هنری	متوسط (به پایین)	استمرار نسبی برگزاری جشنواره هنری، نهادسازی تخصصی و همراهی هنرمندان سراسر کشور	محدودیت منابع مالی و زیرساخت‌های اقامتی در شهرستان

ادامه جدول شماره ۳. نقش پیشران‌ها و پسران‌های اصلی در میزان تحقق اهداف

ردیف	تصویر	سطح تحقق	پیشران اصلی تحقق	پسران اصلی عدم تحقق
۴	مرجعیت تولید محتوا و تبیین آثار	متوسط	قصیدت پژوهشگران ملی و سازمان‌های مردم‌نهاد محلی	محدودیت منابع مالی شهرستان
۵	احداث مجموعه فرهنگی در محل آرامگاه	کم	قصیدت مردمی، مدیران محلی، رسانه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد	عدم همراهی مدیران استانی و کشوری، عدم تخصیص اعتبار کافی و به‌موقع
۶	مرجعیت گردشگری داخلی	کم (رو به رشد)	-	عدم همراهی مدیران استانی و کشوری، کمبود زیرساخت‌های رفاهی، ضعف تبلیغات
۷	ارتباطات فرهنگی با ترکیه	کم (رو به رشد)	حضور نخبگان سیاسی خوبی در وزارت امور خارجه	عدم همراهی مدیران کشوری
۸	جذب بخشی از گردشگران قونیه	کم (رو به رشد)	-	عدم اختصاص ردیف‌های ملی، رسانه، تبلیغات، خدمات رفاهی، عدم اتمام مجموعه فرهنگی
۹	دستاوردهای گردشگری خارجی	ناچیز	-	رسانه، تبلیغات، خدمات رفاهی، عدم اتمام مجموعه فرهنگی
۱۰	دستاوردهای اقتصادی	ناچیز	-	عدم همراهی مدیران استانی و کشوری
۱۱	کارکرد دیپلماسی فرهنگی	ناچیز	پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	تقلیل ظرفیت تمدنی به جاذبه گردشگری شهرستانی
۱۲	کارکرد تمدنی	هیچ	پژوهشگاه علوم انسانی	تقلیل یک ظرفیت تمدنی به جاذبه گردشگری شهرستانی

بررسی جدول فوق نشان می‌دهد با وجود تحقق نسبی اهدافی مانند تثبیت محل آرامگاه شمس تبریزی و انتقال مرجعیت آثار شمس و مولانا به داخل کشور، تحقق اهدافی مانند ظرفیت‌های این شخصیت تمدن‌ساز در دیپلماسی فرهنگی، کارکرد تمدنی و دستاوردهای اقتصادی چندان قابل توجه نیست. هرچند این چارچوب از عمق مردمی بیشتری برخوردار است اما آسیب‌شناسی عدم تحقق اهداف کلان راهبردی از رویکرد انفعالی حاکمیت در ورود به موضوع حکایت دارد.

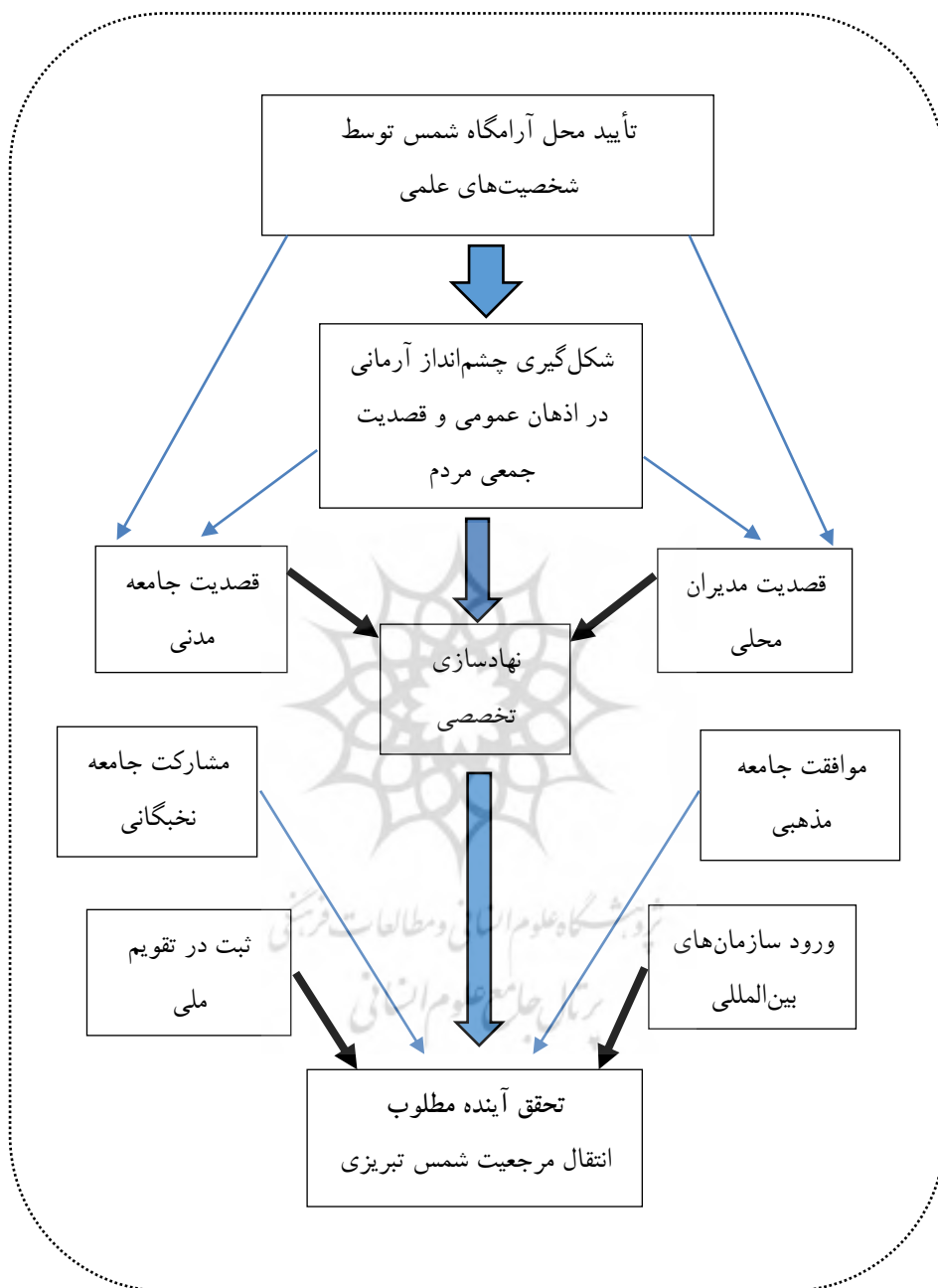
وستلی و میتزبرگ اهمیت ترسیم چشم‌انداز مشترک در مدیریت آینده‌پرداز را بیان کرده‌اند. به نظر آن‌ها رهبر و پیرو باید در خلق چشم‌انداز، مشارکت داشته باشند (وستلی و میتزبرگ، ۱۹۸۹، صص ۲۰-۲۱). بنابراین دلیل عدم تحقق کامل چشم‌انداز آرمانی انتقال مرجعیت شمس تبریزی را باید در عدم مشارکت حاکمیت در شکل‌گیری چشم‌انداز آرمانی جست‌وجو کرد. اگر این مجموعه را در قالب یک سیستم پیش‌انداز^۱ که وضعیت حال آن را وقایع آینده مشخص می‌کند (Rosen, 2012) تحلیل کنیم پیش‌انداختن این آینده تأثیرگذار با ورود فعالانه حاکمیت تسریع می‌شود. اگر مفروض این باشد که یکی از مهم‌ترین و اختصاصی‌ترین مؤلفه‌های قدرت ایران به ظرفیت‌های فرهنگی آن مربوط می‌شود، لزوم ورود فعالانه حاکمیت در انتقال و تثبیت مرجعیت شخصیت‌های تمدن‌ساز بیش‌ازپیش احساس خواهد شد. اگر رویکرد منفعلانه حاکمیت به آینده‌پردازی تغییر یابد امکان بهره‌برداری از آن در دیپلماسی فرهنگی، کارکرد تمدنی و اقتصادی حتی در کوتاه‌مدت نیز ممکن خواهد شد چراکه در نظام تمدنی می‌توان از وجود این شخصیت‌ها به‌عنوان نقاط اهرمی استفاده کرد.

۴-۷. الگوی حاصل از تحلیل پیشران‌ها و پسران‌ها

پیشران‌ها و پسران‌های مؤثر در انتقال مرجعیت شمس تبریزی مورد بررسی، خلاصه‌سازی و جمع‌بندی قرار گرفت. در این راستا عواملی که میانگین وزن آن‌ها ۵ امتیاز و بالاتر ارزیابی شده بود در تهیه الگوی نهایی لحاظ شدند (نمودار شماره ۱).

بررسی این الگو نشان می‌دهد که رویکرد آن از پایین به بالا است. نقش حاکمیت در الگوی پایین به بالا یک نقش انفعالی است که با فشار افکار عمومی و نه لزوماً احساس نیاز به لزوم دستیابی به یک ظرفیت تمدنی شکل می‌گیرد. نقش حاکمیت، حداکثر در حد تزریق قطره‌چکانی اعتبارات و حضور تبلیغاتی مقامات دولتی تعریف می‌شود. چنین وضعیتی به تأخیر در سرعت و عمق تحقق آینده مطلوب و عدم برنامه‌ریزی در استفاده از این ظرفیت‌ها در دیپلماسی فرهنگی، بهره‌برداری‌های اقتصادی و ارتقای امنیت ملی می‌انجامد. از آنجاکه در این الگو، حاکمیت بدون مشارکت در خلق چشم‌انداز مشترک، کنشگری اصلی را به جوامع محلی واگذار کرده است، انتقال و تثبیت مرجعیت در حد محلی و منطقه‌ای، محدود باقی مانده است.

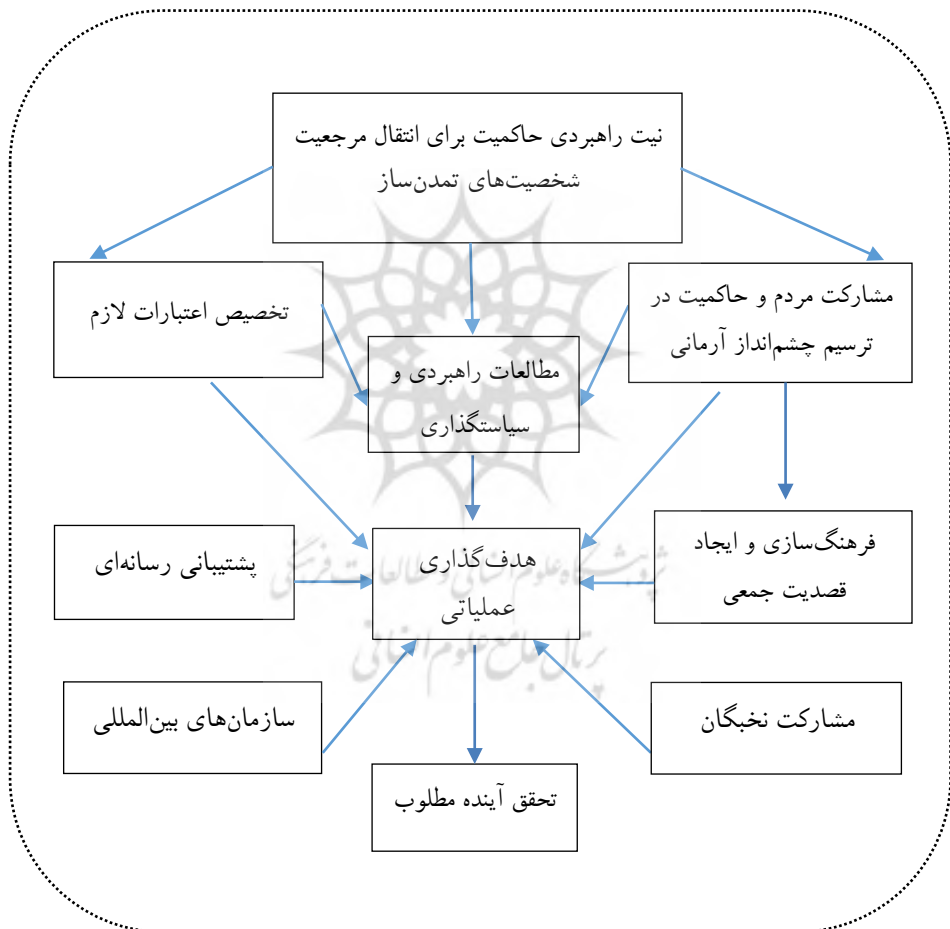
1. Anticipatory System



نمودار ۱. الگوی انتقال مرجعیت شمس تبریزی

(ضخامت فلش‌ها نشانگر وزن پیشران است)

۴-۸. الگوی پیشنهادی برای مدیریت آینده‌پرداز در انتقال مرجعیت شخصیت‌های تمدن‌ساز از آنجاکه بحث‌های مربوط به مرجعیت علمی- فرهنگی به سطوح کلان سیاست‌گذاری مربوط می‌شود، بنابراین رویکرد الگوی پیشنهادی از بالا به پایین است (نمودار شماره ۲). نقش حاکمیت در الگوی از بالا به پایین، ایفای نقش مدیریت فعالانه^۱ است که باعث می‌شود آینده‌پردازی و تحقق تصویر آرمانی در کوتاه‌ترین زمان ممکن اتفاق بیفتد. در این الگو بعد از نیت راهبردی حاکمیت برای بهره‌مندی از ظرفیت شخصیت‌های تأثیرگذار در تمدن‌سازی، چشم‌انداز مشترک بین



نمودار ۲. الگوی پیشنهادی برای مدیریت آینده‌پرداز انتقال مرجعیت شخصیت‌های تمدن‌ساز

مردم و حاکمیت، خلق‌شده و اعتبارات لازم تخصیص می‌یابد. همچنین با درک ظرفیت مرجعیت علمی- فرهنگی، سیاستگذاری لازم صورت گرفته و اهداف میان‌مدت و بلندمدت در حوزه‌های دیپلماسی فرهنگی، اقتصادی و امنیت ملی تعریف‌شده و تا رسیدن به آینده‌ی مطلوب دنبال می‌شود.

نتیجه‌گیری

قصیدت جمعی مردم در استمرار گرایش عمومی به سمت چشم‌انداز آرمانی، تعیین‌کننده است. عدم همراهی اراده‌ی سیاسی در خلق چشم‌انداز مشترک، موجب به تعویق افتادن تحقق تصاویر و طولانی شدن تحقق رؤیاهای جمعی و القای حس ناامیدی، رشد بی‌اعتمادی و ریزش سرمایه اجتماعی می‌شود. بررسی پیشران‌ها و پسران‌های انتقال مرجعیت شمس تبریزی نشان می‌دهد هرچا پیشرفتی حاصل شده با منشأ مطالبه و مشارکت مردمی و نهادهای مدنی بوده و اکثر قریب به اتفاق پسران‌ها ناشی از عدم مشارکت فعال مدیریت ارشد کشوری بوده‌اند. بنابراین در الگوی انتقال مرجعیت شخصیت‌های تمدن‌ساز هرچند قصیدت جمعی مردمی، جامعه مدنی و نهادهای تخصصی، عنصری لازم و حیاتی محسوب می‌شوند ولی بدون حمایت و هدایت مدیریت کلان کشوری نتیجه‌ی لازم در مدت‌زمان موردنظر حاصل نخواهد شد. مخصوصاً اگر میراث ملموس یا ناملموس شخصیت تمدن‌ساز با مرکز استان یا مرکز کشور مرتبط نباشد پیشرفت چندانی در ساخت آینده‌ی آن قابل‌تصور نخواهد بود. برای رفع این نقیصه باید ظرفیت‌های علمی و فرهنگی شخصیت‌های تمدن‌ساز برای مدیران ارشد تبیین شده و کارکردهای تمدنی آن‌ها مورد تأکید قرار گیرد. به نظر می‌رسد در موضوعات تمدنی، ورود فعالانه حاکمیت، مطالعات راهبردی در حوزه‌های سیاستگذاری، تخصیص اعتبارات، پشتیبانی رسانه‌ای و راهبری در فضای بین‌الملل در کنار مشارکت جامعه مدنی و نخبگان از الزامات رسیدن به آینده مطلوب باشد. به همین خاطر ملاحظات حکمرانی و نیت راهبردی حاکمیت در انتقال مرجعیت شخصیت‌های تمدن‌ساز در اولویت الگوی پیشنهادی قرار گرفته است. طبیعی است که در طراحی الگو، ساختار سیاسی- اجتماعی کشور و مناسبات حاکمیت- مردم مدنظر قرار گیرد. سیاستگذاری از بالا و همزمان مشارکت جمعی از پایین، اساس طراحی این الگو را تشکیل می‌دهد. در مقام اجرا لازم است الگوی طراحی‌شده، برای هر یک از شخصیت‌های علمی- فرهنگی، متناسب‌سازی شود چراکه شرایط هرکدام از آن‌ها از حیث وجود میراث ملموس و ناملموس در داخل و خارج از کشور،

فضای ایجادشده پیرامون آن‌ها در محیط بین‌الملل و به‌ویژه نحوه‌ی مداخله سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای مدعی متفاوت است.

منابع

- آلستراند، بروس و لمپل، ژوزف و میتزبرگ، هنری (۱۳۸۴)، *جنگل استراتژی*، ترجمه محمد احمدپور داریانی، تهران، جاجرمی
- الویری، محسن و مهدی‌نژاد، سیدرضا (۱۳۹۲)، رابطه دین و تمدن در اندیشه مالک بن نبی، *تاریخ و تمدن اسلامی*، سال نهم، ش ۱۸، صص ۱۶۳-۱۹۱
- بایرام‌زاده، رضا و حسن‌زاده، سیدحسین (۱۳۹۹)، نویافته‌هایی پیرامون باغ سلطنتی شاه اسماعیل صفوی و مناره‌های شمس تبریزی در خوی بر اساس اسناد تاریخی، بقایای معماری و مطالعات استخوان‌شناسی، *مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، ش ۲۵، دوره ۱۰، صص ۲۰۷-۲۲۳
- تابان، محمد، سیدجوادین سیدرضا، اله پوراشرف، یاسان، یاسینی، علی و ویسه، سیدمهدی (۱۳۹۵)، شناسایی مؤلفه‌های مرجعیت علمی در آموزش عالی ایران با رویکرد داده‌بنیاد، *فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، دوره ۲۰، ش ۶۷، صص ۱۶۳-۱۸۲
- توین‌بی، آرنولد (۱۳۷۶)، خلاصه دوره دوازده‌جلدی بررسی تاریخ تمدن، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، امیرکبیر
- جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۶)، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، قم، نشر معارف
- حسن‌زاده، سیدحسین (۱۳۹۹)، *سالنامه خوی: بازخوانی یک پرونده ۲۵ ساله*، تهران، پیشگامان پژوهش‌مدار
- حسن‌زاده، سیدحسین و بایرام‌زاده، رضا (۱۴۰۲)، *اکاوی آرامگاه و جایگاه معنوی شمس تبریزی بر اساس اسناد تاریخی و مطالعات معماری*، *مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، پذیرفته‌شده برای انتشار در سال ۱۴۰۲
- حسن‌زاده، سیدحسین (۱۴۰۰)، دسترسی در ۱۴۰۱/۱۲/۲۰، «شرح مقالات شمس تبریزی آماده چاپ و انتشار شد»، مصاحبه با پایگاه اطلاع‌رسانی شمس تبریزی، <http://shamstabrizi.ir/?p=1624>

- خزایی، حسین (۱۳۹۷)، تمدن نوین اسلامی؛ عبور از مدیریت استراتژیک، دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، ش ۲، صص ۹۶-۱۱۳
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۳)، در جستجوی علوم انسانی اسلامی؛ تحلیل نظریه‌های علم دینی و آزمون الگوی حکمی - اجتهادی در تولید علوم انسانی اسلامی، ج ۱، قم، معارف
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، چاپ دوم، تهران
- دوران، ویل (۱۳۷۶)، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، علی‌پاشایی و امیرحسین آریان‌پور، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱
- رهدار، احمد؛ خراسانی، رضا؛ کرمی قهی، محمدتقی و بابایی، حبیب‌الله (۱۳۸۸)، جستاری نظری در باب تمدن، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- ریاحی، محمدامین (۱۳۷۸)، تاریخ خوی، چاپ دوم، تهران، طرح نو
- زارعی، صالح و قاسم‌پور، حسن (۱۳۹۶)، رهیافت‌های ناظر بر تأثیر عرفان و تصوف در فرآیند تمدن اسلامی، فصلنامه تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی، سال هشتم، پاییز ۱۳۹۶، ش ۲۸، صص ۱۳۱-۱۵۲
- شجاعی، مروارید و محمودی، رضا (۱۳۹۳)، مدیریت استراتژیک پروژه‌های سرمایه‌گذاری، همایش بین‌المللی مدیریت، تهران
- شریعتی، علی (۱۳۸۹)، تاریخ تمدن، جلد ۱، تهران، نشر قلم
- صدری‌فر، نبی‌اله و مولوی، محمد (۱۴۰۰)، مقدمات و الزامات ایجاد تمدن نوین اسلامی، فصلنامه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سال نهم، ش ۲
- صفوی، سیدسلیمان (۱۴۰۰)، دسترسی در ۱۴۰۱/۱۲/۲۰، «صلح و مدارا؛ گمشده بشریت و تمدن‌های جهانی»، مصاحبه با خبرگزاری ایقنا، <https://iqna.ir/00GfON>
- عالمی، سیدعلیرضا (۱۳۸۶)، رهیافتی بر تمدن و تمدن اسلامی از دیدگاه سید حسین نصر، تاریخ و تمدن اسلامی، سال سوم، ش ۶، صص ۱۵۷-۱۸۲

- عبدالملکی، هادی، نظامی پور، قدیر و عشایری، طاها (۱۳۹۷)، نظریه گذار تمدنی به مثابه راهبردی برای تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیداری اسلامی، فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، ش ۱، صص ۱۱۵-۱۵۱
- غلامی، مجاهد (۱۴۰۰)، دلایل شمس تبریزی ستیزیِ قونویان و درنگی بر فرجام کاری وی، نشریه پژوهش‌های ادب - عرفانی (گوهر گویا)، سال پانزدهم، ش ۱، صص ۱۳۷-۱۵۴
- فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۶۷)، شرح مثنوی شریف، تهران، انتشارات زوار
- فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۸۵)، جلال‌الدین محمد، تهران، انتشارات معین
- کریمی، سودابه (۱۴۰۱)، دسترسی در ۱۴۰۱/۱۲/۲۲، «رونمایی از ۶ نسخه نویافته مقالات شمس تبریزی»، مصاحبه با خبرگزاری ایسنا، isna.ir/xdMvYP
- کریمی، غلامرضا (۱۳۹۶)، واکاوی پیش‌ران‌های خارجی تمدن نوین اسلامی، دوفصلنامه آینده‌پژوهی/ایران، سال دوم، ش ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صص ۱۶۱-۱۷۹
- گودرزی، غلامرضا و رودی، کامیل (۱۳۹۰)، تبیین مرجعیت علمی برای نهادهای علمی کشور با رویکرد تئوری مفهوم‌سازی بنیادی، سیاست علم و فناوری، سال چهارم، ش ۲، زمستان ۱۳۹۰، صص ۷۵-۱۰۸
- مشتاق‌مهر، رحمان (۱۳۹۵)، آنچه امروز نیز از شمس تبریزی می‌توان آموخت، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال ۸، ش ۳۰، تابستان ۱۳۹۵، صص ۳۱-۵۶
- محمودی، محمد و کرمانی، علیرضا (۱۳۹۸)، ظرفیت‌های نظری عرفان اسلامی در تمدن‌سازی، انوار معرفت، سال هشتم، ش ۱، پیاپی ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۴۵-۶۲
- نوری حکمت، سمیه، حق‌دوست، علی‌اکبر، دهنویه، رضا و پورشیخعلی، آتوسا (۱۳۹۸)، نگاهی عملیاتی به مفهوم مرجعیت علمی، فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی، سال سوم، ش ۱، بهار ۹۸، صص ۱۶-۲۳
- وحیدی‌منش، حمزه علی (۱۳۸۶)، عناصر تمدن‌ساز دین اسلام، فصلنامه معرفت، اسفند ۱۳۸۶، ش ۱۲۳، صص ۱۵-۳۴

- یزدان پناه، سید یدالله (۱۳۹۴)، ظرفیت‌های عرفان اسلام در تمدن‌زایی، فصلنامه نقد و نظر، سال بیستم، ش ۴، زمستان ۱۳۹۴
- یزدانی، شهرام، سیاه‌تیر، مریم و حسینی ابرده، مریم (۱۳۹۹)، طب و تزکیه، دوره ۲۹، ش ۳، صص ۱۸۳-۱۹۵

References

- Abdulmaleki, H., Nezamipour, Q. and Ashaieri, T. (2017), The Theory of Civilization Transition as a Strategy for the Realization of Modern Islamic Civilization with Emphasis on Islamic Awakening. *Quarterly Journal of Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization*, Volume 1, Number 1, 115-151 (In Persian).
- Alami, S. A. (2006), An approach to civilization and Islamic civilization from the perspective of Seyed Hossein Nasr. *Islamic History and Civilization*, third year, number six, fall and winter 2016, 157-182 (In Persian).
- Alestrand, B., Lempel, J. and Mintzberg, H. (2004), *Jungle of Strategy*. Translated by Mohammad Ahmadpour Dariani, Tehran: Jajarmi (In Persian).
- Alviri, M. and Mahdinajad, S. (2012), The relationship between religion and civilization in the thought of Malek-ibn- Nabi. *Islamic History and Civilization*, 9th year, 18th issue, autumn and winter 2012, 163-191 (In Persian).
- Bayramzadeh, R. and Hassanzadeh, S. H. (2019), New findings around Shah Ismail Safavid Royal Garden and Shams Tabrizi minarets in Khoy based on historical documents, architectural remains and osteological studies. *Iranian Archaeological Research Journal*, No. 25, Volume 10, 207-223 (In Persian).
- Dekhoda, A. A. (1999), Dekhoda dictionary, second edition, Tehran (In Persian).
- Drucker, P.F. (2004). The best way to predict the future is to create it, https://www.druckerchallenge.org/uploads/pics/Prem_Kumar_DruckerChallenge_Submission_PK_120446965.pdf
- Foroozafar, B. (1988), *Commentary on Masnavi Sharif*. Tehran: Zovar Publications (In Persian). Foroozafar, B. (2006). *Jalaluddin Mohammad*. Tehran: Moein Publications (In Persian).
- Durant, W. (1997), *History of Civilization*. Translated by Ahmad Aram, Ali Pashaei and Amir Hossein Arianpour, volume 1. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company (In Persian).

- Eftekhari, M. (2013), The Course of Islamic Mysticism and Sufism and Its Positive Effect on Islamic Civilization. *Journal of American Science* 2013; 9(8s), 26-34
- Gholami, M. (2021), The reasons of opposition of people of Konya to Shams Tabrizi and a reflection on the end of his work. *Scientific Journal of Mystical Literature Researches* (Gohar-e- Guya), 15th year, number 1, serial 46, spring and summer 1400, 137-154 (In Persian).
- Gudarzi, Gh. and Roudi, K. (2017), Explaining the scientific authority for the country's scientific institutions with the approach of fundamental conceptualization theory. *Science and technology policy*. Fourth year, number 2, winter 2013, 75-108 (In Persian).
- Hashemi mogaddam, A. (2021), *Different Iranian tourist experiences in Turkey, Case studies: Istanbul, Antalya and Konya*. Ph.D Dissertation. Hacettepe University Graduate School of Social Sciences, Department of Anthropology.
- Hassanzadeh, S. H. (2019), *Khoy Annals 2020: Re-reading a 25-year-old file*. Tehran: Pishgaman Pajuheshmadar (In Persian).
- Hassanzadeh, S.H. and Bayramzadeh, R. (2023), Analysis of the tomb and spiritual place of Shams Tabrizi based on historical documents and architectural studies. *Iranian Archaeological Research Journal*, accepted for publication in 2023 (In Persian).
- Hassanzadeh, S. H. (2023), Description of Shams Tabrizi's Maqalat is ready to be printed and published. Interview with Shams Tabrizi's information base, <http://shamstabrizi.ir/?p=1624>, access on 2023/3/11 (In Persian).
- Holstius, K and Malaska, P. (2004), *Advanced strategic thinking Visionary management*. Turku school of economics and business administration, Finland.
- Inayatullah S. (2008), Six pillars: futures thinking for transforming. *Foresight*, Vol. 10 Issue: 1, pp.4-21. <https://doi.org/10.1108/14636680810855991>
- Jan Ahmadi, F. (2007), *History of Islamic Culture and Civilization*. Qom: Ma'aref Publishing House (In Persian).
- Karimi, S. (2022), Revelation of 6 new versions of Shams Tabrizi's articles. Interview with ISNA news agency. Isna.ir/xdMvYP, access on 11/03/2023 (In Persian).

- Karimi, Gh. (2016), Analysis of External Drivers of Modern Islamic Civilization. *Iran Future Research Quarterly*, Second year, third issue, fall and winter 2016, 161-179 (In Persian).
- Khazaei, H. (2017), Modern Islamic Civilization; Passing through strategic management. *Bi-quarterly journal of fundamental studies of modern Islamic civilization*, volume 1, number 2, fall and winter 2017, 113-96 (In Persian).
- Khosropanah, A. (2013), In search of Islamic humanities; Analysis of the theories of religious science and the test of the ruling-ijtihad model in the production of Islamic humanities. Volume 1. Qom: Ma'arif (In Persian).
- Mahmoudi, M. and Kermani, A. (2018), The theoretical capacities of Islamic mystics in civilization. *Anwar-e- Marefat*, 8th year, number 1, serial 14, spring and summer 2018, 62-45 (In Persian).
- Mukaddem, A.R. (2021), Şems Tebrizi'nin hayatının son dönemine dair düşünce ve tespitler, T.C. Dışişleri Bakanlığı, Tebriz Baskonsoloslugunun Kuruluş 100 Yılı. Editor: Umut Basar, Ankara: Nobel Yayın Grubu (In Turkish).
- Mushtaqmeh, R. (2015), What can be learned from Shams Tabrizi today? *Research journal of educational literature*, year 8, number 30, summer 2015, 31-56 (In Persian).
- Nouri Hekmat, S., Haqdoost, A. A., Dehnavieh, R. and Porsheikhali, A. (2018), An operational look at the concept of scientific authority. *Culture and health promotion of the Academy of Medical Sciences*, third year, first issue, spring 2018, 23-16 (In Persian).
- Rahdar, A., Khorasani, R., Karmi Qahi, M. T. and Babaei, H. (2009), *A theoretical research on civilization*. Tehran: Islamic Science and Culture Research Institute (In Persian).
- Riahi, M. A. (1999), *History of Khoy*. Second edition. Tehran: Tarh-e-no (In Persian).
- Sadrifar, N. and Molavi, M. (2021), Preliminaries and Requirements for the Creation of Modern Islamic Civilization. *Scientific Quarterly Journal of the Iranian Islamic Model of Progress*, 9th Year, Number 2, Serial 18, Summer 2021 (In Persian).
- Rosen, r. (2012), *Anticipatory Systems*. Second Edition. Springer
- Safavi, S.S. (2021), Peace and tolerance; Lost humanity and world civilizations. Interview with iqna news agency, <https://iqna.ir/00GfON>, access on 11/03/2023 (In Persian).

- Sari, O. (2010), *Tourism as a tool for development: thr case of Mawlana tourism in Konya*. A thesis submitted to the graduate shool of social sciences of Middle East technical university
- Shariati, A. (2010), *History of Civilization*. Volume 1. Tehran: Nashr-e-Qalam (In Persian).
- Shojaei, M. and Mahmoudi, R. (2014). Strategic Management of Investment Projects. International Conference on Management. Tehran (In Persian).
- Taban, M., Seyedjavadian S., Elah Pourashraf, Y., Yasini, A. and Veyse, S. (2016), Identifying the components of scientific authority in Iran's higher education with a database approach. *Quarterly Journal of Epistemological Studies in Islamic University*, Volume 20, Number 67, 163-182 (In Persian).
- Toynbee, A. (1997), *A summary of the twelve-volume study of the history of civilization*. Translated by Mohammad Hossein Aria. Tehran: Amirkabir (In Persian).
- Vahidimanesh, H. A. (2016), Civilizing Elements of Islam. *Marefat Quarterly*, March 2016, No. 123, 15-34 (In Persian).
- Westley, F. and Mintzberg, H. (1989), Visionary leadership and strategic management. *Strategic Management*, Vol 10, 17-32
- Yazdan Panah, S. Y. (2014), The Capacities of Islamic Mysticism in Civilization. *Naqd-o- Nazar Quarterly*, Year 20, Issue 4, winter 2014 (In Persian).
- Yazdani, Sh., Siahtir, M. and Hosseini Abardeh, M. (2019), Discourse Analysis of Scientific Authority in Iran. *Teb-o- Tazkieh*, Volume 29, Number 3, 183-195 (In Persian).
- Zarei, S. and Qasempour, H. (2016), Approaches regarding the influence of mysticism and Sufism in the process of Islamic civilization. *Islamic History, Culture and Civilization Quarterly*, eighth year, fall 2016, vol. 28, 131-152 (In Persian).